آینهٔ اوهام

محمدرضا شجریان
پرویز مشکاتیان
محمد موسوی

کتابچهٔ اشعار



رفتنِ بهرام روز شنبه به گنبد سیاه

فهرست اشعار قطعات

نگاره‌ها: نسخه‌ای از خمسهٔ نظامی - هفت‌پیکر
دورهٔ صفوی، شیراز، حدود نیمهٔ قرن دهم هجری
نگارخانهٔ فریرو سَکلر (بنیاد اسمیتسونین)، واشنگتن
طراحی هنری: سیما زنگی - **پالایش صوتی:** مهدی خانی

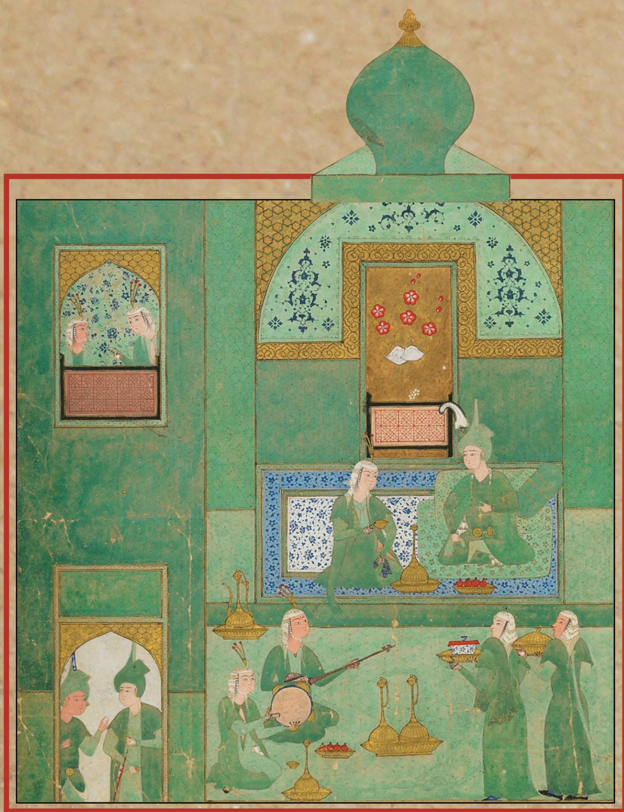


نشستنِ شاه بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد

ســـاز و آواز

عـکـس روی تـو چـو در آیینـهٔ جـام افتاد
عـارف از خنـدهٔ مِـی در طمعِ خـام افـتـاد
حُسنِ روی تـو به یک جلوه که در آینه کرد
ایـن همـه نقـش در آیینـهٔ اوهـام افـتـاد
این همه عکس مِی و نقش مخالف که نمود
یک فروغِ رخ ساقی‌ست که در جام افـتاد
غـیرت عَشـق زبانِ همـه خاصان ببرید
از کجا سِـرّ غمـش در دهن عـام افتاد
هردمش با منِ دل‌سوخته لطفی دگر است
این گدا بین، که چه شایستهٔ اِنعام افتاد
زیر شمشیرِ غمـش رقص‌کنان باید رفت
کان که شد کشتهٔ او نیک‌سرانجام افتاد
در خم زلف تـو آویخـت دل از چـاه زنـخ
آه! کـز چـاه بـرون آمـد و در دام افـتـاد

حـــافـــظ



نشستنِ بهرامِ روز چهارشنبه در گنبد پیروزه‌رنگ

ادامـهٔ سـاز و آواز

آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی
کـار مـا بـا رُخ سـاقـی و لـب جام افـتـاد
غـیـرت عـشـق زبانِ همـه خاصان ببرید
از کـجـا سِـرّ غـمـش در دهـن عـام افـتاد
مـن زِ مسـجـد به خرابات نـه خـود افتادم
اینـم از روز اَزَل حـاصـل فـرجـام افـتـاد
چـه کـنـد کز پی دوران نـرود، چـون پرگار؟
هـر کـه در دایـرهٔ گـردش ایـّام افـتـاد

حـــافـظ



رفتنِ شاه بهرام روز سه‌شنبه به گنبد سرخ

ادامهٔ آواز

صوفیان جمله حریف‌اند و نظرباز ولی
زین میان حافظِ دل‌سوخته بدنام افتاد

عکس روی تو چو در آیینهٔ جام افتاد
عارف از خندهٔ مِی در طمعِ خام افتاد

حافظ

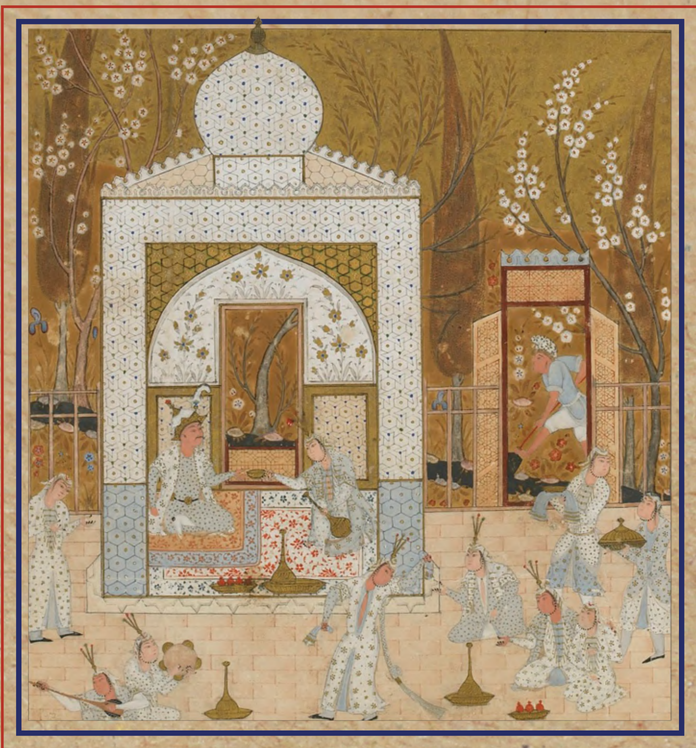


رفتنِ شاه بهرام روز پنجشنبه به گنبد صندل

چهره به چهره

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو
شرح دهم غم تورا نکته به نکته مو به مو
از پی دیدن رُخت همچو صبا فتاده‌ام
خانه به خانه در به در کوچه به کوچه کو به کو
می‌رود از فراق تو خون دل از دو دیده‌ام
دجله به دجله یم به یم چشمه به چشمه جو به جو

منسوب به طاهره قرة‌العین



رفتنِ شاه بهرام روز آدینه به گنبد سفید

نوای بی‌نوایی

یارا تو کجا و ما کجاییم
تو یار که‌ای و ما توراییم
چون من شده‌ام به کوی تو مست
وی را نتوان گرفت در دست
ماییم و نوای بی‌نوایی
بسم‌الله اگر حریف مایی

نظامی



رفتنِ بهرام روز یکشنبه به گنبد زرین

حله به کوفه

ما را همه شب نمی‌برد خواب
ای خفتهٔ روزگار دریاب
در بادیه تشنگان بمردند
وز حله به کوفه می‌رود آب

سعدی



The Mirror of Illusions

MohammadReza Shajarian
Parviz Meshkatian
Mohammad Mousavi

Booklet of Lyrics